

The Status of Loss of Profit in International Trade Law and Selected Countries

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Parisa Soleimanzadeh

Mahmoud Jalali*

Mohammad Jafari Fesharaki

How to cite this article

Parisa Soleimanzadeh, Mahmoud Jalali, Mohammad Jafari Fesharaki, The Status of Loss of Profit in International Trade Law and Selected Countries, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:5(4): 980-988.

1. PhD student, Department of Private Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Law, Isfahan University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

Article History

Received: 2021/11/08

Accepted: 2022/01/15

ABSTRACT

Today the discussion over the responsibility of individuals toward each other is followed by breach of contractual obligations and material and moral damages, which has led to the formation of a theory of full compensation against losses of injured party. This theory is also recognized in numerous international trade laws such as the Convention on the International Sale of Goods and the Principles of International Commercial Contracts and the domestic law of some countries has been recognized with a number of conditions and thus, loss of profit can be compensated as material damages. There is a great deal of controversy about the acceptability of this theory and demanding loss of profit in Iranian law. The fact is that certain loss of profit can be remedied in foreign and domestic laws, which is evident in judgmental procedures and international arbitrations. Such damages in the legal system of Iran also have legal and judicial bases which can be fully compensated and the injured party can be protected.

Keywords: Common law system, Definite profits, Potential profits, Principles of European Contract Law, Principles of International Commercial Contracts, Profits, Roman-German system, Uniform Commercial Code, UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods

جایگاه عدم النفع در حقوق تجارت بین الملل و کشورهای منتخب

پریسا سلیمان زاده

دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

محمود جلالی*

دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

محمد جعفری فشارکی

استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

امروزه بحث از مسئولیت اشخاص در برابر یکدیگر در پی نقض تعهدات قراردادی و بروز خسارات مادی و معنوی بسیار ملموس می باشد. این امر موجب شکل گیری نظریه جبران خسارت کامل در برابر زیان دیده شده است. این نظریه در قوانین متعدد تجاری بین المللی مانند کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حقوق داخلی برخی کشورها با جمع شرایطی به رسمیت شناخته شده است و به موجب آن، عدم النفع به عنوان ضرر مادی، قابل جبران است. در قابلیت پذیرش این نظریه و مطالبه عدم النفع در حقوق ایران مباحث فراوانی وجود دارد. واقعیت آن است که عدم النفع مسلم در قوانین خارجی و داخلی قابل جبران است؛ امری که در رویه های قضایی و داوری های بین المللی مشهود می باشد. چنین خسارتی در نظام حقوقی ایران نیز دارای مبانی قانونی و قضایی می باشد که به موجب آنها می توان با جبران کامل خسارت از زیان دیده حمایت نمود.

کلید واژگان: اصول حقوق قراردادهای اروپا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، قواعد متحدالشکل تجاری آمریکا، کنوانسیون بیع بین المللی کالا، منافع احتمالی، منافع قطعی، نظام رومی- ژرمنی، نظام کامن لا، نفع.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

* نویسنده مسئول: m.jalali@ase.ui.ac.ir

مقدمه

در مسئولیت قراردادی، نقض قرارداد و عدم اجرای تعهدات ضمانت اجراهای مختلفی را به دنبال دارد که جبران خسارت یکی از آن موارد است. خسارت ممکن است مادی یا معنوی باشد؛ خسارت مادی گاهی با از دست رفتن مال موجود و گاهی با از دست دادن منافع همراه است. اصل الزام به جبران خسارت سنگ بنای قواعد مسئولیت بوده و همه نظام های حقوقی جبران خسارت را پذیرفته اند اما شیوه جبران آن متفاوت است. قوانین تجاری بین المللی بسیاری در زمینه حقوق قراردادهای تجاری به تصویب مجامع بین المللی و حقوق داخلی کشورهای خارجی رسیده است از جمله اصول قراردادهای تجاری بین المللی، کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول حقوق قراردادهای اروپا و قواعد متحدالشکل تجاری آمریکا. این قوانین همگی بر مبنای مشترکات نظام های حقوقی و با هدف یکسان سازی مقررات مربوط به قراردادهای تجاری بین المللی و بیع کالا تدوین شده اند و همگی متضمن نظریه جبران کامل خسارت می باشند. این اسناد در عرصه تجارت بین المللی جایگاه ممتازی پیدا نموده و به عنوان مجموعه قواعد مرجع و معیار در بسیاری از قراردادها به عنوان قانون حاکم، انتخاب می شوند و در صدور آرای قضایی و داوری مورد استناد می باشند. از سوی دیگر روابط روزافزون تجاری، مقتضی آشنایی با مقررات بین المللی است. ضرورت گسترش روابط تجاری بین المللی ایران با دنیای خارج ایجاب می نماید که ابعاد مهم این مقررات با حقوق ایران در خصوص دامنه جبران خسارت مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد و نتایج آن در قانونگذاری و انعقاد قراردادهای تجاری و حل و فصل اختلافات ناشی از آنها مورد استفاده قرار گیرد. حال سؤال اصلی در خصوص جایگاه عدم النفع از منظر قوانین تجاری بین المللی و نظامات حقوقی داخلی و خارجی است و اینکه در چه شرایطی عدم النفع در نتیجه نقض قرارداد، قابل مطالبه است؟ فرضیه ما در این مقاله، لزوم جبران کامل خسارت شخص زیان دیده است تا وی تا حدی که امکانپذیر است به موقعیت حاصله از اجرای کامل قرارداد بازگردد و این خسارت شامل هر نوع زیان مادی و معنوی و از جمله عدم النفع می باشد البته به شرطی که مسلم بودن آن محرز گردد نه اینکه احتمالی باشد. در این نوشتار بعد از بررسی دیدگاه قوانین تجاری بین المللی در خصوص عدم النفع و شرایط مطالبه آن، به بررسی این امر و لزوم جبران آن در نظامات حقوقی داخلی و خارجی می پردازیم.

عدم النفع در قوانین تجاری بین المللی

کنوانسیون بیع بین المللی کالا^۱ (۱۹۸۰ وین)

کنوانسیون بیع بین المللی کالا در ماده ۷۴ خود خسارات قابل مطالبه را شامل زیان مادی وارده و عدم النفع قلمداد و قابلیت پیش بینی را شرط لازم برای مطالبه خسارت دانسته است. اشاره خاص کنوانسیون به عدم النفع در این ماده به این دلیل است که در بعضی نظام های حقوقی مفهوم «زیان» شامل عدم النفع نمی شود چرا که در عدم النفع بحث در خصوص منافع مورد انتظار است. در ماده ۷۴

1- UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)

مستقیم و فعلی، تفویض منافع مورد انتظار از قرارداد نیز باید جبران شود. (۹)

اصول قراردادهای تجاری بین المللی در بند (۱) ماده ۲-۴-۷ خود، به صورت ابتکاری و به نحو جامعی این نظریه را ذیل عنوان «جبران کامل خسارت» مورد تصریح قرار داده که «طرف زیان دیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجراء، مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات، هرگونه زیان وارده و هرگونه نفعی را شامل می شود که وی از آن محروم شده است؛ آن هم با احتساب هرگونه نفع مکسب از سوی طرف زیان دیده، که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد.» مراد از «هرگونه زیان وارده» زیان های مستقیمی است که در نتیجه عدم اجرای تعهد طبق قرارداد، بالفعل به زیان دیده وارد می شود. محرومیت از منافع نیز در تفسیر رسمی این اصول به عدم النفع تعبیر شده و آمده است «عدم النفع که گاه به آن ضرر و زیان تبعی هم می گویند، منفعتی است که در صورت اجرای مناسب قرارداد، به طور معمول عاید طرف زیان دیده می شد. منفعت مزبور، اغلب غیر قطعی است؛ بنابراین عدم النفع اغلب شکل از دست دادن شانس را به خود می گیرد.» (۱۰)

البته در قسمت پایانی بند (۱) ماده فوق، تصریح شده است که در مقام پرداخت ضرر ناشی از منافع تفویض شده، هرگونه نفع مکسب از سوی طرف زیان دیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد، باید محاسبه گردد. توضیح اینکه اگر زیان دیده از قبل عدم انجام تعهد، منفعتی به دست آورده (مثل اینکه مجبور نبوده هزینه های اتاق هتل را برای هنرمندی که در موعد مقرر حاضر نشده، بپردازد) یا در نتیجه اجتناب از هزینه ها، منفعتی به دست آورده است، باید در محاسبه خسارت در نظر گرفته شود. البته مبنای مسأله این است که دریافت خسارت نباید بر دارایی طرف زیان دیده بیفزاید. در واقع باید به میزانی خسارات پرداخت شود که اگر تعهد انجام می شد، زیان دیده در آن موقعیت قرار داشت. (۱)

اگرچه در ماده ۲-۴-۷ اصول، زیان دیده مستحق دریافت غرامت در برابر منافی دانسته شده که وی در نتیجه عدم ایفای تعهد از سوی متعهد، از آن محروم بوده، اما در این اصول به تفکیک منافع مسلم و محتمل تصریح نشده است. البته از ماده ۳-۴-۷ این اصول می توان موضع این اصول را بدست آورد. در بند (۱) ماده ۳-۴-۷ این اصول بیان شده است که «قانوناً غرامت فقط برای صدمه ای در نظر گرفته می شود، از جمله صدمه آتی، که با درجه ای متعارف و معقول از قطعیت تعیین می شود.» خسارات آتی که به صورت متعارف و معقول قطعی باشد، قابل مطالبه است؛ از اینرو در مورد منافع، تفویض منافی به عنوان خسارت قابل مطالبه است که در صورت اجرای قرارداد، کسب آن منافع مسلم باشد بند ۲ ماده فوق، که تصریح نموده «غرامت ممکن است قانوناً برای از دست دادن فرصت، به تناسب احتمال وقوع آن، در نظر گرفته شود.» برداشت بالا را با چالش مواجه می نماید. بدین ترتیب که چنانچه از قبل میزان احتمالی موفقیت پیش بینی شود، آن میزان می تواند در دریافت خسارت مورد لحاظ قرار گیرد (۱۰). در واقع در اینجا پرداخت

کنوانسیون عنوان شده است که طرف زیان دیده نه تنها در مورد زبانی که متحمل شده بلکه برای منفعتی که در نتیجه عدم اجرا از آن محروم شده، مستحق دریافت خسارت است. (۱)

عدم النفع در چارچوب ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، عبارت است از هرگونه افزایش دارایی که در بی نقض قرارداد از آن جلوگیری شده باشد. در مقابل ضرر متحمل شده از سوی طرف قرارداد، هرگونه هزینه و مخارجی است که به عنوان نتیجه نقض قرارداد حادث شده باشد. (۲)

در حقیقت طبق این ماده ضرر باید قابل پیش بینی و اثر امکان پذیر نقض باشد. با وجود این طبق بند (۱) ماده ۷۹ طرفی که هر یک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت کند که نمی توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد، آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آن یا آثار آن اجتناب نموده یا آنها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود. (۳)

لزوم مسلم بودن منافع آتی برای مطالبه عدم النفع در کنوانسیون مورد تصریح قرار نگرفته است اما از سیاق ماده ۷۴ می توان این مسئله را استفاده کرد که تحصیل منفعت باید بر طبق جریان عادی امور و اوضاع و احوال متعارف، مسلم باشد و صرف احتمال یا شانس تحصیل منفعت کافی نیست. به عبارت دیگر طرف زیان دیده می تواند عدم النفعی را که واقعاً متحمل شده و منافی که انتظار آن را داشته تحصیل کند. (۴،۵)

ماده ۷۴ کنوانسیون در مورد میزان خسارت قابل مطالبه برای زیان های وارده و همچنین عدم النفع، تصریح نموده است که «این خسارات نمی تواند از مقدار زبانی که نقض کننده، در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موضع بدان ها واقف بوده یا می باید واقف می بوده، به عنوان اثر ممکن الحصول نقض قرارداد پیش بینی کرده و یا بایستی پیش بینی می کرده است، متجاوز باشد.» پس زیان دیده می تواند راجع به هر منفعتی که در نتیجه نقض قرارداد از او فوت شده است مطالبه خسارت نماید مشروط بر اینکه آن ضرر از سوی ناقض، قابل پیش بینی بوده باشد (۶). پیش بینی خسارت در مورد عدم النفع هم وقتی میسر است که در فرض انجام تعهد، وجود آن منفعت مسلم باشد. بنابراین از شرط قابلیت پیش بینی خسارت بصورت ضمنی نیز می توان استفاده کرد که عدم النفعی قابل مطالبه است که در صورت انجام تعهدات، متعهدله بصورت مسلم از آن منافع برخوردار می شد. (۱)

اصول قراردادهای تجاری بین المللی^۱

طبق نظریه «جبران کامل خسارت»، هدف از جبران خسارت برآورده ساختن انتظارات متعهدله از اجرای تعهد است لذا باید آفندر از ناحیه متعهد جبران خسارت صورت گیرد که زیان دیده در وضعیتی قرار داده شود که اگر قرارداد اجرا می شد، در آن وضعیت قرار می گرفت (۷،۸). از این جهت علاوه بر خسارت های

قواعد متحدالشکل تجاری آمریکا^۲

عدم النفع در قواعد متحدالشکل تجاری آمریکا صراحتاً در ماده (۲) ۷۰۳-۲ به عنوان یکی از خسارات قابل جبران فروشنده در صورت نقض قرارداد از سوی خریدار مطابق با ضوابط ماده (۲) ۷۰۸-۲ ذکر شده است. در تفسیر رسمی به عمل آمده از این قواعد در خصوص ماده ۷۰۸-۲ در بند (۵) ذکر شده است که قواعد متحد الشکل تجاری آمریکا، نوع مشخصی از عدم النفع را تحت عنوان «عدم النفع ناشی از ایجاد تقلیل در سقف فروش سالانه»^۳ برای فروشنده ای که خریدار، قرارداد خرید را نقض کرده است پیش بینی نموده است. طبق این قانون، فروشندگان آمریکایی در مواردی که قرارداد خرید از جانب خریدار نقض شده، علیرغم اینکه مورد معامله را با همان قیمت قراردادی یا چه بسا به قیمت بیشتر به دیگر مشتریان خود بازفروش نموده اند، با این ادعا که مورد معامله را به فردی فروخته اند که مشتری حتمی آنها بوده و به هر حال خرید مزبور را می نموده است، عنوان می نمایند که اگر قرارداد نقض نمی شد و مورد معامله به خریدار اول تحویل می گشت آنها باز هم قادر بودند، فروش دوم را نیز داشته باشند؛ فلذا مدعی می گردند که به هر حال به علت نقض شدن قرارداد و علیرغم بازفروش مورد معامله به دیگران، در سقف فروش آنها تقلیل صورت پذیرفته و سودی را که در صورت اجرای قرارداد می توانست عاید آنها شود، از دست داده اند و طبق ماده ۷۰۶-۲ چنانچه قیمت بازفروش، کمتر از قیمتی باشد که در قرارداد اجرا نشده مورد توافق قرار گرفته است، علاوه بر هزینه های اضافی بازفروش، تفاوت قیمت نیز توسط فروشنده از خریدار ناقض قراردادی قابل مطالبه است. (۱۳)

البته این نکته را باید متذکر شد که بازفروش باید از لحاظ بازرگانی، معقول و از روی حسن نیت باشد که این موضوع در بخش دوم ماده ۷۰۸-۲ قانون ذکر گردیده است که اگر «خسارات مقرر شده در بند (۱) این ماده، برای اینکه فروشنده را در موقعیتی به خوبی موقعیتی که از اجرای قرارداد تحصیل می نمود قرار دهد، غیر کافی باشد، در آن صورت، خسارت عبارت خواهد بود از نفعی (شامل هزینه های فوق الذکر معقول) که فروشنده از اجرای کامل قرارداد تحصیل می نمود، به اضافه خسارات جانبی معین شده در این ماده با لحاظ نمودن هزینه های معقول متحمل و اعتبار ناشی از پرداختی که در بازفروش صورت گرفته است.» (۱۴) از آنجایی که این قسمت درباره عدم النفع شخص متعهدله در یک نوع خاصی از فروش می باشد و نه درباره مواردی که متعهدله مستقلاً برای عدم النفع به عنوان خسارات تبعی اقامه دعوا می کند؛ ضرورت ندارد که سابقه درآمد خود را نشان دهد بلکه آنچه مهم است آن است که متعهدله از دست دادن منافع جنبی ای را که از انجام قرارداد به دست می آورده و حالا به دلیل لغو قرارداد از دست داده است، ثابت کند. (۱۵) البته عده ای از حقوقدانان آمریکایی معتقدند که این ماده دربردارنده بیان صریحی در خصوص عدم النفع نمی باشد ولی در رویه قضایی آمریکا مواردی ملاحظه می شود که ادعاهای عدم النفع فروشندگانی که مورد معامله را به همان قیمت قراردادی یا بیشتر از آن به ثالثی

خسارت بر مبنای احتمال، پذیرفته شده، درحالیکه براساس مبنای حقوقی، مطالبه خسارت احتمالی با چالش مواجه بوده و نمی توان برای تفویض منافع احتمالی همچون فرصت و شانس خسارت در نظر گرفت چراکه رابطه سببیت و علت تامه، بین از دست دادن شانس و نقض تعهد وجود ندارد. ضمن اینکه به دلیل احتمالی بودن، تعیین میزان دقیق خسارت نیز مشکل است. البته تدوین کنندگان اصول قراردادهای تجاری بین المللی به مشکل اخیر توجه داشته، لذا در بند (۳) ماده ۷-۴-۳ اصول مقرر نموده اند «در شرایطی که نتوان میزان خسارت را با درجه ای کافی از قطعیت احراز کرد، تعیین میزان آن به صلاحدید دادگاه خواهد بود.» در واقع این اصول، جبران خسارت نسبت به تفویض منافع محتمل را پذیرفته اما مشکل تعیین میزان خسارت را از طریق ارجاع به دادگاه حل نموده است. البته این راه حل برای اشکال مذکور کارایی ندارد، چراکه وقتی میزان خسارت آینده معلوم نباشد، دادگاه نیز در تعیین میزان خسارت با مشکل مواجه می شود. لذا نظر اصول قراردادهای تجاری بین المللی که پرداخت خسارت را در تفویض منافع محتمل و از دست رفتن شانس و فرصت پذیرفته است به جهات فوق قابل انتقاد است. (۱)

اصول حقوق قراردادهای اروپا^۱

در اصول اروپایی نیز تفسیر رسمی ماده ۵۰۱-۹ عدم النفع را داخل در زیان می داند؛ مضافاً اینکه در ماده ۵۰۲-۹ تصریح شده است که طرف قرارداد حق دارد زیان ها و منافی را که از آن محروم شده است از وارد کننده زیان مطالبه کند. این ماده بیان می دارد: «معیار کلی جبران خسارت، مبلغی است که طرف متضرر را حتی الامکان در وضعیتی قرار دهد که اگر قرارداد اجرا می شد در آن وضعیت قرار می گرفت. چنین خسارتی شامل ضررهایی که زیان دیده متحمل شده و منافی که وی از آنها محروم مانده است، می گردد.» بدین ترتیب این ماده تحت عنوان معیار کلی جبران خسارت، جبران کلیه خسارات را با شمول عدم النفع، لازم دانسته و هدف اصلی جبران خسارت را قرار دادن زیان دیده در وضعیتی می داند که اگر قرارداد اجرا می شد در آن وضعیت قرار می گرفت. (۱۱)

با توجه به اصول، درخصوص عدم النفعی که زیان دیده متحمل شده بطور قطع امکان مطالبه آن وجود دارد. در مورد منافی که انتظار وقوع آنها را داشته نیز زیان دیده براساس اصل جبران کامل خسارت باید قادر باشد هر منفعتی را که در نتیجه نقض قرارداد توسط طرف مقابل فوت شده وصول نماید البته تا حدودی که این ضرر و زیان توسط طرف دیگر که قرارداد را نقض کرده است، قابل پیش بینی باشد. به عبارت دیگر زیان دیده علاوه بر ادعای اولیه اش برای مطالبه خسارت (که شامل ضرری است که هر زیان دیده ای از عدم اجرای قرارداد متحمل می شود) می تواند جبران ضرری را که در نتیجه اوضاع و احوال خاصی برای او ایجاد شده است، تا جایی که در ماده ۵۰۳-۹ قابل پیش بینی باشد، مطالبه نماید. (۱۲)

در همان موقعیتی قرارداد را اجرا می‌گردید در آن وضع قرار می‌گرفت. بر مبنای این نظریه هست که در حقوق انگلیس، عدم النفع، ضرر تلقی شده و باید جبران شود (۱۹). محاکم انگلیس غالباً به جبران خسارات ناشی از عدم النفع تجاری (حتی اگر نفع مذکور به شاخص‌های کم و بیش غیر مسلم موکول باشد) رأی داده‌اند و بدین وسیله در حقوق این کشور، عدم النفع مورد پذیرش قرار گرفته است. البته با بررسی پرونده‌های مختلف در انگلیس باید گفت که خسارات یاد شده وقتی جبران می‌شوند که به نحو منصفانه و متعارف و بر حسب جریان عادی امور، ناشی از نقض قرارداد باشند و یا خساراتی باشند که عقلاً در زمان انعقاد از نظر طرفین در صورت نقض قرارداد محتمل بوده است (۲۰).

بدین ترتیب در خصوص خسارات موضوع عدم النفع که ناشی از نقض قرارداد باشد، تمامی خسارات قابل مطالبه نیست بلکه خواننده مسئول پرداخت خساراتی است که طبق روال متعارف و سیر عادی حوادث، از نقض قرارداد ایجاد شده است. اما خسارات غیر متعارف که از اوضاع و احوال ویژه ناشی می‌شود، زمانی جزء خسارات قابل مطالبه تلقی می‌شود که یک شخص متعارف و معقول از آن آگاه باشد یا اینکه عادتاً باید آگاهی داشته باشد. در چنین صورتی نیز خواننده مسئول خواهد بود. در مورد خسارات موضوع عدم النفع که ناشی از شبه جرم می‌باشد، خواننده فقط مسئول خساراتی است که نوعاً قابل پیش بینی باشد. در این صورت اگر نوع خسارت قابل پیش بینی باشد، ادعای خواننده مبنی بر اینکه مقدار خسارت بیشتر از حد پیش بینی بوده است، مسموع نخواهد بود. همچنین در مسئولیت مطلق نیز خواننده با وجود نتایج غیر قابل پیش بینی، مسئول قلمداد می‌گردد.

بدین ترتیب در حقوق انگلیس در صورت وجود شرایط، هیچ تفاوتی بین ضررهای مادی، معنوی و عدم النفع وجود ندارد و عدم النفع نیز قابل مطالبه است با این تفاوت که عدم النفع از خسارات ویژه است که باید به طور ویژه ثابت گردد؛ به عبارت بهتر چون عدم النفع مربوط به شرایط و مقتضیات خاصی است، اثبات آن از نظر قوانین ضرورت پیدا می‌کند. با این حال از حیث وجود یا عدم وجود شرایط، در حقوق انگلیس، خسارت عدم النفع تنها در ۳ مورد قابل مطالبه است و دادگاهها حکم به جبران آن می‌دهند:

الف) زمانی که در نتیجه بکار بردن چیزی که در مالکیت یا در تصرف شخص ثالث است، مال یا جان خواهان در وضعیتی قرار می‌گیرد که در صورت تخریب و خسارت نسبت به مال دیگری (شخص ثالث)، مال یا جان خواهان به طور شدیدی مورد آسیب قرار خواهد گرفت. فرض کنید خواننده مال شخص ثالثی را خراب می‌کند و قبل از اینکه خواهان بتواند مال خود را از قلمرو خطر خارج کند، مال او در نتیجه خطر اولیه آسیب می‌بیند و او متحمل ضرر می‌گردد. دادگاه در این مورد اجازه مطالبه خسارت به خواهان داده است مشروط بر اینکه شرایط غیر متعارف بر اهمال و خطای خواننده مترتب شده باشد.

باز فروش نموده‌اند، مورد رأی قرار گرفته است. بدین ترتیب جواز جبران عدم النفع در تمامی موارد مناسب داده شده است (۱۶). نوع دیگری از خسارت عدم النفع هم در این قواعد آمده و آن «خسارت عدم النفع فروش مجدد کالای شخص واسطه» به سبب نقض کارآمد قرارداد است. شخص واسطه کسی است که در قرارداد بیع اول، به عنوان خریدار ظاهر می‌گردد و بعد از تحویل کالا از سوی فروشنده، کالای مذکور را به موجب قرارداد بیع دوم به شخص دیگری می‌فروشد. با توجه به اینکه هدف اصلی در خصوص خسارت، حمایت از منافع زیان دیده و جبران کامل خسارت و قرار دادن متضرر در وضعیت اقتصادی حاصل از اجرای قرارداد است، محاکم به طور سنتی به واسطه عدم تحویل کالا توسط فروشنده به شخص واسطه، رأی بر جبران خسارت عدم النفع مورد انتظار زیان دیده بر اساس تفاوت قیمت بازار با قیمت قراردادی می‌دهند؛ لیکن این تردید وجود دارد که اصدار رأی مبنی بر ارزش بازاری کالا ممکن است منجر به جبران خسارت مبلغی افزون‌تر از ارزش واقعی منافع تفویض شده اجرای کامل قرارداد گردد (۱۷).

عدم النفع در حقوق موضوعه کشورها

عدم النفع در نظام حقوقی کامن لا

در نظام حقوقی کامن لا، عدم النفع چنین تبیین شده است: «عدم النفع، خسارت مربوط به منافی است که بر اساس سیر عادی امور برای خواهان ایجاد می‌شد ولی به دلیل رفتار زیان زنده، آن نفع به خواهان نرسیده است. به طور مثال، خواهان کالا را برای فروش خریده بود و خواننده نیز این موضوع را در نظر داشته و قرارداد را نقض کرده است.» (۱۸) در این نظام حقوقی، اصل جواز مطالبه عدم النفع امری مسلم است و معمولاً به عنوان خسارات خاص یا خسارات تبعی انگاشته می‌شود. خسارات خاص، خساراتی است که از شرایط و اوضاع و احوال خاص یا فوق العاده ای منشأ می‌گیرد که بیرون از محدوده پیش بینی معمول و معقول متعاملین بوده و نمی‌توان این گونه خسارات را مطالبه کرد مگر اینکه متعاملین خود وجود این شرایط و اوضاع و احوال خاص را به اطلاع یکدیگر رسانیده باشند. در نتیجه خواهان ناگزیر است این نوع خسارت را صریحاً و به طور مشخص در دادخواست بخواهد و نیز ثابت کند که منافی تفویض شده است. از جمله شرایطی که خواهان مبنی بر مطالبه عدم النفع باید حائز باشد تا این گونه خسارت به نفع او مورد رأی قرار گیرد عبارتند از وجود رابطه سببیت، قابلیت پیش بینی زیان و مسلم بودن زیان.

عدم النفع در حقوق انگلیس

در حقوق کامن لا و به طور خاص انگلستان، اصل اولیه در جبران خسارت آن است که جبران ضرر باید زیان دیده را به طور کامل پوشش دهد به نحوی که ضرری بدون جبران باقی نمانده باشد. برای تحقق این اصل در حقوق انگلیس از نظریه «موقعیت مشابه»^۱ استفاده شده است؛ بدین مفهوم که جبران خسارت، طرف زیان دیده را باید

1- The Same Position

دارد که تخلف از قرارداد به متعهدله حق می دهد خسارات واقعی و عدم النفع را مطالبه کند. این قانون، عدم النفع را به عنوان درآمدی تعریف می کند که اگر متعهد تعهدات قراردادی خویش را ایفا کرده بود، زیان دیده در شرایط عادی توانسته بود آن درآمد را کسب کند. در چین ماده ۱۱۳ قانون قراردادها مقرر می دارد: «چنانچه یک طرف عقد، تعهدات قراردادی را ایفا نکند یا اجرایی غیرمنطبق ارائه دهد و در نتیجه این امر، زیانی به طرف مقابل عقد وارد شود، میزان خسارتی که باید پرداخت گردد برابر خواهد بود با زیانی که طرف مقابل در اثر نقض قرارداد متحمل شده است که این زیان از جمله شامل هر سودی نیز خواهد بود که می توانست با اجرای قرارداد عاید او گردد...»

همانند کشورهای کامن لاء، در یک کشور پیرو نظام حقوق نوشته نیز خواهان به منظور مطالبه خسارات عدم النفع باید شرایطی چند را حائز باشد که وجود رابطه سببیت، قابلیت پیش بینی زیان و مسلم بودن زیان از جمله آن شرایط است. به عنوان یک قاعده، خواهان بار اثبات این شرایط را بر دوش می کشد. پاره ای از کشورها علاوه بر این شرایط، لازم می شمارند که خواننده در نقض قرارداد مقصر نیز باشد. بعضی دیگر از کشورها مقرر می دارند که عدم النفع تنها در صورتی قابل مطالبه است که خواهان، قرارداد را منحل نکرده باشد.

عدم النفع در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه مواد ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ از قانون مدنی، مستند اصل جبران کامل خسارات تلقی می شوند، به شکلی که هم ضرر واقعی و هم عدم النفع را قابل مطالبه می دانند مشروط بر اینکه این ضررها قابل پیش بینی باشند. ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه مقرر می دارد: «خسارتی که باید به متعهدله پرداخت شود، به طور کلی اعم است از زیان واقعی که وی متحمل شده و سودی که از آن محروم گردیده، با رعایت استثنائات و قیودی که در مواد بعد می آید.» در این ماده حکم لزوم جبران عدم النفع بیان شده است. ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه نیز در مورد قابل پیش بینی بودن ضرر در مسئولیت قراردادی بیان می دارد: «مدیون تنها ملزم به جبران خساراتی است که در زمان انعقاد قرارداد، پیش بینی کرده یا می بایست پیش بینی می کرد مشروط بر اینکه عدم اجرای تعهد ناشی از تقصیر عمدی او نبوده باشد.» براساس این شرط خسارات های طبیعی و عادی ناشی از نقض قرارداد که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش بینی بوده و به صورت متعارف مورد توجه طرفین بوده اند، قابل مطالبه هستند و باید توسط نقض کننده قرارداد، جبران شوند اما زیان های استثنائی و نامتعارف از جمله ضررهای دور و غیر مستقیم که به صورت عادی ورود آنها پیش بینی نمی شود، قابل جبران نخواهند بود. اما بر فرض قابلیت پیش بینی، یک استثناء وارد شده است که در آن مدیون، مسئول کل خسارات وارده و عدم النفع (اعم از پیش بینی شده و پیش بینی نشده) قلمداد گردیده است و آن در جایی است که مدیون، مرتکب تقصیر عمدی شده باشد. البته وجود قاعده «تقصیر زیان دیده» در حقوق فرانسه باعث شده است که فاعل زیان از جبران خساراتی که زیان دیده در ورود آنها مقصر بوده است معاف گردد از دیگر شرایط

(ب) موردی است که عدم النفع خواهان ناشی از اعتماد زیانبار موجهی است که از طریق رابطه ویژه ای نسبت به خواننده صورت پذیرفته است که این معیار رابطه خاص بین طرفین ممکن است خانوادگی یا حرفه ای باشد.

(ج) جایی است که عدم النفع از مداخله عمدی خواننده در قراردادی صورت گرفته است که بین خواهان و شخص ثالث منعقد شده بود.

عدم النفع در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا نیز عدم النفع جایگاه ویژه ای دارد. همان طور که گفته شد در قواعد متحدالشکل تجاری آمریکا، جدای از به رسمیت شناخته شدن عدم النفع در ماده ۷۰۳-۲، نوع مشخصی از عدم النفع تحت عنوان «عدم النفع ناشی از ایجاد تقلیل در سقف فروش سالانه» برای فروشنده ای که خریدار قرارداد خرید را نقض نموده، پیش بینی شده است (ماده ۷۰۸-۲). در این حالت نقض قرارداد توسط خریدار منجر به کاهش حجم کالای فروخته شده می گردد و فروشنده ناگزیر به فروش کالا به مشتری دیگری می شود؛ از اینرو خسارت عدم النفع به عنوان خسارتی قابل مطالبه مورد پذیرش قرار گرفته است و طرف ناقض قرارداد باید منافع تفویض گشته قرارداد بیع اصلی را جبران نماید. نوع دیگری از خسارت عدم النفع هم در این قواعد آمده و آن «خسارت عدم النفع فروش مجدد کالای شخص واسطه» به سبب نقض کارآمد قرارداد است (ماده ۷۱۳-۲) که در آن جبران خسارت شخص واسطه به وسیله تمسک به شیوه پرداخت تفاوت قیمت قرارداد نقض گشته با قیمت کالا در بازار به عمل می آید.

۲-۲- عدم النفع در نظام حقوقی رومی-ژرمنی

در کشورهای پیرو نظام حقوقی نوشته نیز هدف از دادن خسارات، جبران تمام و کمال زیان هایی است که خواهان در اثر نقض قرارداد از سوی خواننده متحمل شده است. از اینرو قوانین مدنی بسیاری از کشورهای مزبور، هم جبران خسارات واقعی را مورد حکم قرار می دهند و هم جبران سودی را که خواهان در نتیجه پیمان شکنی از تحصیل آن محروم شده است. بدین ترتیب جبران خسارت عدم النفع تقریباً پذیرفته شده است.

ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی ایتالیا نیز مقرر می دارد: «خسارات قابل مطالبه برای نقض قرارداد (اعم از عدم اجرا یا تأخیر در اجرا) هم شامل زیانی است که خواهان متحمل شده و هم سودی که از آن محروم گردیده است به شرط اینکه هر دو نتیجه مستقیم و بلافصل نقض قرارداد باشد.» قوانین مدنی کشورهای آلمان (ماده ۲۸۰ قانون مدنی)، ژاپن (ماده ۴۱۶ قانون مدنی)، مصر (ماده ۲۲۱ قانون مدنی)، برزیل (ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی) و اسپانیا (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی) نیز به همین سان، مطالبه عدم النفع را در دعاوی تخلف از قرارداد روا می شمارند.

قانون مدنی فدرال مکزیک مقرر می دارد: طرفی که از اجرای قرارداد خودداری می کند، هم برای زیان واقعی یا مخارجی که متعهدله زیان دیده متحمل شده و هم برای نفع مشروعی که با اجرای قرارداد می توانست تحصیل شود لیکن به جهت نقض قرارداد، متعهدله از آن محروم شده، مسئول است. (مواد ۲۱۰۴ و ۲۱۰۸ تا ۲۱۱۰ قانون مدنی) قانون مدنی روسیه در بند ۲ ماده ۱۵ بیان می

مطالبه خسارت نیز می‌توان به این موارد اشاره داشت: (۱) سوء نیت و یا قصور شدید متشاباه با تدلیس متخلف باید محرز شود. (۲) ضرر باید مسلم بوده و متوجه متعهد له گردد. (۳) خسارت باید مستقیم باشد. (۴) رابطه علت یا سببیت بین تعهد و ضرر وارده وجود داشته باشد.

عدم النفع در حقوق آلمان

در حقوق آلمان نیز خسارت عدم النفع به صراحت مورد قبول قوانین آن کشور قرار گرفته است و طرف زیان دیده باید در وضعیتی قرار گیرد که در صورت ایفای دقیق تعهدات قراردادی، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان، عدم النفع را چنین تعریف می‌کند: «عدم النفع عبارت است از حرمان از منافعی که با احتمال قریب به یقین حسب جریان عادی امور یا اوضاع و احوال خاص، امید وصول به آن معقول و ممکن باشد...» در این ماده اجازه داده شده است که اگر نفع به دست نیامده چنان بوده باشد که بر حسب جریان عادی و متعارف امور احتمالاً قابل تحصیل بوده است مورد مطالبه قرار گیرد. بدین ترتیب ضرر وارده باید سبب اصلی و متعارف باشد تا موجب جبران خسارت شود. بنابراین تمام حوادثی را که در تحقق ضرر دخالت داشته اند، نمی‌توان سبب آن دانست بلکه از میان شرایط باید امری را برگزید که به طور متعارف و سیر عادی امور سبب ورود ضرر شده باشد و بر عکس اموری که بر حسب اتفاق منجر به آن شده اند را نباید جزو اسباب ضرر به شمار آورد.

بعلاوه دادگاههای آلمان، اماراتی را برای تسهیل اثبات و محاسبه این خسارت در اختیار دارند. به عنوان نمونه قانون مورخ ۱۹۷۱ جمهوری فدرال آلمان، خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت من جمله منافع از دست رفته و مخارجی که متهم برای دفاع از خود پرداخته (از قبیل حق الوکاله وکیل) و همچنین مخارج تقدیم دادخواست را قابل جبران دانسته اند. علاوه بر منافع از دست رفته متهم، منافع و حقوق از دست رفته دیگران نیز که از بازداشت بلاجهت متهم ناشی گردیده، قابل جبران شناخته شده است. مثلاً به موجب بند ۱ ماده ۱۱ قانون مذکور، کسانی که قانوناً حق اخذ نفقه از متهم را دارا می‌باشند، می‌توانند از دولت نفقه ایامی را که به علت بازداشت متهم از دست داده اند مطالبه نمایند. شبیه به این مقررات با اندک اختلافی در نحوه و شرایط پرداخت خسارت ناشی از توقیف بلاجهت در حقوق کشورهای دیگری نظیر ژاپن، هلند و لهستان نیز وجود دارد.

۲-۳-۳- عدم النفع در حقوق ایران

در تاریخ قوانین موضوعه ایران، مستندات بسیاری درخصوص بحث عدم النفع موجود می‌باشد که در آنها صحبت از پذیرش یا عدم پذیرش این امر به میان آمده است. حال با توجه به قوانین جاری (ماده ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری) سؤال این است که آیا عدم النفع در حقوق ما قابلیت جبران دارد یا خیر؟

اولین ماده مورد بحث، ماده ۲۶۷ ق.آ.د.م می‌باشد که مطابق آن قانونگذار در اجرای قاعده لاضرر و تسبیب، به هر یک از اصحاب

دعوی اختیار داده است خساراتی را که در نتیجه تخلف کارشناس به آنان تحمیل شده، از کارشناس مطالبه نمایند. ضرر و خسارت، ایجاد نقص در اموال یا از دست رفتن منفعت مسلم دانسته شده و کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فرونی آن به هر عنوان که باشد مصداق ضرر تلقی شده است. عدم النفع نیز عبارت است از حرمان از منافعی که به احتمال قریب به یقین حسب جریان عادی امور و اوضاع و احوال خاص، امید وصول آن معقول و مترتب و مقدور بوده است. لذا می‌توان گفت که آنچه در ماده ۲۶۷ غیر قابل مطالبه اعلام شده خود عدم النفع نیست بلکه ضرر ناشی از عدم النفع است (منظور مطالبه ی خسارت از خسارت می‌باشد که ماده ۷۱۳ ق.آ.د.م. سابق ممنوع اعلام شده بود).

دومین مورد، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م است که درخصوص آن نظریه مشورتی شماره ۴۷/۸۰-۷/۸۰-۱۳۸۲/۹/۳۰ بیان می‌دارد: «مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. عدم النفع به معنی آن است که افراد یا وسائل به صورت دائمی در فعالیت کسی و کسب درآمد نباشد مثلاً افراد بیکار هر چند جویای کار باشند ولی اگر به جهاتی توسط شخص یا اشخاصی مدتی از کار باز مانند، اینگونه افراد نمی‌توانند از مسبب بیکاری خود مطالبه خسارت نمایند زیرا بدون مسبب نیز آنها در حال کار و کسب درآمد نبوده اند. در حالی که در مورد افراد شاغل که به سبب اعمال شخص یا اشخاصی، مدتی بیکار شوند حق مطالبه خسارت در مدت بیکاری وجود دارد. همچنین است در مورد اشیاء به این ترتیب که چنانچه مالک اشیاء مذکور به صورت مدام از این اشیاء استفاده نکرده و درآمدی نداشته، نمی‌تواند مطالبه خسارت مدتی را بنماید که شخص یا اشخاص مانع استفاده مالک از این اشیاء شده است. اما اگر اشیاء مورد بحث، مداوم مورد استفاده و بهره برداری مالک بوده و عمل اشخاص مانع این شود که مالک مدتی نتواند از این اموال بهره برداری نماید در این صورت، شخص مذکور در واقع مانع استفاده از منافع ممکن الحصول بوده و از این جهت مالک اموال می‌تواند مطالبه خسارت زمان عدم امکان استفاده از اشیاء مورد بحث را از شخص بنماید.»

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۱۰۸۱-۱۳۸۰/۱۱/۲۴ خود منافع ممکن الحصول را منافی دانسته است که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد، مانند درختانی که شکوفه دارند و این شکوفه ها مقتضی میوه دادن است و میوه منفعت درخت به شمار می‌آید چرا که به حکم عادت در آینده ایجاد می‌شوند و این گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی این گونه منافع را تلف کند، باید خسارت ناشی از این اقدام را جبران کند.

بدین ترتیب در خصوص عدم النفع، با توجه به قابل مطالبه بودن منافع ممکن الحصول باید گفت چنانچه منافع مورد ادعا صرفاً احتمالی بوده و زمینه و مقدمات آن به هیچ وجه فراهم نشده باشد و هیچ گونه قرینه ای بر امکان حصول آن در آینده نباشد از شمول عنوان «منافع ممکن الحصول» خارج و مشمول عنوان عدم النفع می‌گردد و در نتیجه قابل مطالبه نمی‌باشد. بنابراین تبصره ۲ عدم النفع را احتمالی و غیر قابل مطالبه می‌داند یعنی زیان دیده احتمال داشته

- Law Research Quarterly, Volume 4, Number 12, pp. 131-165
2. 10.Schwartz Damon (2006). "The recovery of lost profits under article 74 of the UN convention on the international sale of goods", Nordic journal of commercial law, No.1, p 1-16
 3. Nejat Yami, Mehdi (1390). A comparative study of the theory of anticipating breach of contract in the Convention on the International Sale of Goods, principles of European contract law and Iranian law, Master's thesis, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (RA).
 4. Darabpur, Mehrab (2015). Commentary on international sales law, volume 2, Tehran: Ganj Danesh.
 5. Safai, Seyed Hossein and Kazemi, Mahmoud and Adel, Morteza and Mirzanzad, Akbar (2019). International Sales Law, Tehran: Tehran University Press.
 6. Honnold J (1997). Uniform law for international sales under the 1980 United Nations convention, Boston: Kluwer.
 7. Treitel G.H. (2003). The law of contract, London: Sweet & Maxwell
 8. Virgo G (2006). The principles of the law of restitution, London: Oxford University Press.
 9. 1.Bell J & Boyron S & Whittaker S (2008). Principles of French law, New York: Oxford University Press.
 10. Akhlaghi, Behrouz and Imam, Farhad (2014). Principles of international commercial contracts, Tehran: ShahrDanesh.
 11. Rahimi Fardin, Akbar (1391). A comparative study of the guarantee of breach of contract implementation in international documents (CISG, UPICC & PECL) and Iranian law, Master's thesis, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz.

است به چنین منفعتی برسد اما منافع ممکن الحصول را قطعی می داند.

در خصوص عدم النفع ماده ۱۴ ق.آ.د.ک نیز قابل توجه است که در آن قانونگذار عدم النفع را در کنار خسارت مادی و معنوی، نوعی از خسارت دانسته است. مراد از منافع ممکن الحصول در این قانون منافی است که در زمان وقوع جرم منشأ حقوقی داشته و مدعی خصوصی به علت ارتکاب جرم از آنها محروم شده است به نحوی که اگر جرم به وقوع نمی پیوست، می توانست از آن منافع بهره ببرد؛ لذا شخص مجرم از لحاظ حقوقی مسئول جبران این خسارات می باشد.

از نظر این قانون نیز منافع ممکن الحصولی که قطعی باشند (عدم النفع قطعی) قابل مطالبه هستند چه به سبب اتلاف باشند یا تسبیب. بنابراین به نظر می رسد اینکه قانونگذار در تبصره ۲ ماده مذکور منافع ممکن الحصولی را قابل مطالبه دانسته که ناشی از جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نباشد به عدم النفع غیرقطعی توجه داشته است چه در غیر این صورت این تبصره کارآیی چندانی نخواهد داشت.

نتیجه گیری

در حوزه قوانین تجاری بین المللی، نظریه جبران کامل خسارت پذیرفته شده است مانند ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا و ماده (۱) ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی. در قوانین مدنی کشورهای منتخب نیز این امر با جمع شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است. اما پذیرش این نظریه در حقوق ایران با تردید مواجه است. زیرا نظام حقوقی ما در مورد خسارت های ناشی از عدم النفع همیشه رویه یکسانی نداشته است. دلیل این امر آن است که طبق قانون آئین دادرسی مدنی، عدم النفع قابل مطالبه شناخته نشده است. اما در واقع در ماده ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م، منظور مقنن منصرف از عدم النفع محقق بوده و تنها خسارت ناشی از عدم النفع احتمالی را غیر قابل مطالبه معرفی کرده است یا به عبارتی گرفتن خسارت از خسارت را ممنوع دانسته است. ماده ۱۴ ق.آ.د.ک نیز نشان از آن دارد که قانونگذار عدم النفع را خسارت و قابل مطالبه دانسته است. از جمع بین این مواد و ملاحظه قوانین و اصول بین المللی می توان گفت که عدم النفع محقق، غالباً با حصول شرایطی قابل وصول است. حال بهتر آن است که ما نیز همگام با رویه یکسان حاکم بر قوانین تجاری بین المللی، نظریه جبران کامل خسارت را در حقوق ایران بپذیریم و مقرر قانون آئین دادرسی مدنی را در مورد عدم النفع بر مبنای تفکیک بین منافع مسلم و محتمل بازتعریف نماییم.

References

1. Watani, Amir and Zamani, Seyyed Qasem and Zanganeh Shahraki, Jafar (2014). The possibility of full compensation for damages in the principles of international commercial contracts, Private

12. Karimi, Sarah (1390). A comparative study of compensation for breach of contract in the principles of European contract law and Iranian law, Master's thesis, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Tabriz.
13. Breen John M. (1996). "The lost volume seller and lost profits under U.C.C.S 2-708(2): A conceptual and linguistic critique", University of Miami law review, vol.50, p 779-917.
14. Taghizadeh, Ebrahim and Falah Yakhdani, Mohammad Hossein (2014). The need to pay attention to damages caused by lack of interest in fair judgment (a comparative study in Iranian law, Imami jurisprudence, English law and American uniform commercial rules), the second national conference on justice, ethics, jurisprudence and law, Islamic Azad University of Meybod, 26 Azar.
15. Reuters T (2010). Uniform commercial code: Official text and comments, USA: A Thomson Reuters Business
16. Caselton Paul S. (1985). "Lost profits damage awards under uniform commercial code section 2-708(2)", Standford Law Review, vol.37, p 1109-1145.
17. Mitchel William (1985). "Seller's recovery of lost profits for breach of a sales contract: Uniform commercial code section 2-708(2)", William Mitchell Law Review, vol.11, p 227-249
18. Walker D.M. (1980). The Oxford companion to law, London: Oxford University Press
19. Ranjbar, Massoudreza (2011). Determining damages due to breach of contract, volume 1, Tehran: Mizan publishing house.
20. Benson P (1997). Philosophical Foundations for Tort Law: The basis for excluding liability for economic loss in tort law, London: Oxford University Press.